

اندیشه‌ی سیاسی قدرت‌گیری و توسعه‌طلبی در امپراتوری اشکانی بر اساس شواهد باستان-

شناسی و تاریخی

زینب خسروی

دانشجوی دکتری دانشگاه محقق اردبیلی

سارا صادقی

دانشجوی دکتری دانشگاه محقق اردبیلی

Sara_sadeghi809@yahoo.com

بهروزافخمی

استادیار باستان شناسی دانشگاه محقق اردبیلی

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۵/۲۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۶/۲۵)

چکیده

اشکانیان گروهی از قبایل نیمه کوچ‌نشین بودند که بر شمال‌شرق فلات ایران تسلط یافتند و سپس حوزه نفوذ خود را تا مناطق غربی و رود فرات گسترش دادند. اندیشه سیاسی که آن‌ها در سال‌ها و دهه‌های قدرت‌یابی ارائه داده‌اند، علتی بود که توانستند هژمونی لازم را در مناطق متصرفی تأمین نمایند. از این رو، مسئله اساسی در پژوهش حاضر این موارد می‌باشد: به استناد داده‌های باستان‌شناسی، شاهان اشکانی با ارائه چه اندیشه سیاسی موفق گردیدند، حوزه نفوذ پادشاهی تازه تأسیس اشکانی در شمال‌شرق ایران را به حد یک امپراتوری توسعه دهند؟ و چگونه این حوزه نفوذ را هرچند با دگرگونی در دوره‌های مختلف حفظ کنند؟ چنین فرض می‌شود که: شاهان قدرتمند اشکانی با تجاری‌گری که از شاهان پیشین این سلسله به آن‌ها رسیده بود، شناخت نسبی بیشتری از رقبای خود و وضعیت ایالات فلات ایران کسب کرده بودند. از این رو، توانستند با حفظ منافع ایالات، سرزمین‌های متصرفی را فتح کرده و آن‌ها را در زیر حوزه نفوذ خود نگاه‌دارند. از لحاظ روش‌شناسی، داده‌های این مقاله به شیوه کتابخانه‌ای گردآوری شده‌است و روش تجزیه و تحلیل داده‌ها، تحلیل محتوا و تاریخی است. برآیند پژوهش نشان می‌دهد، پارت‌ها با استقلال دادن به شهرها و ایالات و آزادی آنها از زیر سلطه سلوکیان، تا هنگام بیرون راندن آنان مشروعیت داشتند و پس از آن با تأمین امنیت شهرها و راههای تجاری از طریق نیروی نظامی و ساخت شهرها و حفظ مرزهای امپراتوری و نگهداری از سرزمینهای استراتژیک مهم از رهگذر توجه به ایدئولوژی احیای امپراتوری هخامنشی، همچنان قدرت و مشروعیت خود را حفظ کردند.

واژگان کلیدی: اندیشه سیاسی قدرت‌گیری و توسعه‌طلبی، مهرداد اول، مهرداد دوم، تجارت، نیروی نظامی.

مقدمه

اشک سرکرده‌ی قبیله پارنی با حمله به شهر پارت و تسخیر آنجا توانست قدرت سیاسی قابل توجهی را به دست آورد (ولسکی، ۱۳۸۴، ص ۶۳-۴۹). اشک اوّل (۲۴۷-۲۱۱ پ.م) در سال ۲۴۷ پ.م بعد از پیروزی بر آندراگوراس در شهر آساک تاج‌گذاری کرد (Bivar, 1983: 29). دهه‌ها سپری شد تا پادشاهی نوپای اشکانی به امپراتوری بدل گشت. در پژوهش حاضر تلاش شده تا به استناد داده‌های باستان‌شناسی و منابع تاریخی به این سوال پاسخ داده شود که به استناد داده‌های باستان‌شناسی، شاهان اشکانی با ارائه چه اندیشه سیاسی موفق گردیدند، حوزه نفوذ پادشاهی تازه تأسیس اشکانی در شمال‌شرق ایران را به حد یک امپراتوری توسعه دهند؟ و چگونه این حوزه نفوذ را هرچند با دگرگونی در دوره‌های مختلف حفظ کنند؟ فرض می‌شود شاهان قدرتمند اشکانی با تجاربی که از شاهان پیشین این سلسله به آن‌ها رسیده بود، شناخت نسبی بیشتری از رقبای خود و وضعیت ایالات فلات ایران کسب کرده بودند. از این رو، توانستند با حفظ منافع آن‌ها، سرزمین‌های متصرفی را فتح کرده و آن‌ها را در زیر حوزه نفوذ خود نگه‌دارند.

امپراتوری اشکانی از منظر نظامی دوره بس مهمی است؛ چراکه توانست به مدّت پنج قرن دست مهاجمان را از فلات ایران کوتاه نگه‌دارد و بستر مناسب برای غنای اقتصادی و فرهنگی را شکل

بخشد. با این حال، چه در حوزه باستان‌شناسی و چه تاریخ، اطلاعات درباره‌ی آن‌ها بسیار ناچیز و اندک است و از طرفی شناخت ابعاد مختلف فرهنگ در این دوره اهمیت بسیاری دارد. یکی از بعدهای فرهنگی این دوره، گونه‌ی اندیشه سیاسی است که نهاد سیاسی برای اداره جامعه و حفظ هژمونی^۱ خود ارائه داده است. از آنجا که در این حوزه کمبود اطلاعات هست. با در نظر گرفتن منابع تاریخی همراه با داده‌های مادی با اطمینان بالایی می‌توان اندیشه‌ی این دوره را شناخت (خسروی، ۱۳۹۳، ص ۱۵) بر این اساس هدف این پژوهش شناخت جامعی از اندیشه سیاسی امپراتوری اشکانی بر اساس منابع باستان‌شناسی و تاریخی در سال‌ها و دهه‌های قدرت‌گیری و توسعه این امپراتوری می‌باشد. نکته‌ای که لازم است در این‌جا ذکر گردد چگونگی پی بردن به اندیشه سیاسی در دوران باستان است؛ زیرا مبنای اصلی در شناخت آن درک و فهم نظام جهان‌شناسی آنان می‌باشد، که در اساطیر، حماسه‌ها و مرام دینی آن‌ها بازتاب یافته است (همان، ۱۴) که در آثار مادی بر جای مانده از گذشته به صورت نمادگرایی با دورنمایه ایدئولوژی ارائه شده و در معماری با مطالعه‌ی نظم فضایی که به عملکرد یا هدف ساختمان مربوط می‌شود که می‌تواند کارکردی اجتماعی، اقتصادی، نمادین و ... داشته باشد (سیدابوالقاسم، ۱۳۸۰، ص ۷۷-۸۲).

روش پژوهش

مشروعیت‌دهی به آن نیز تأکید دارد (گالاهر، دالمان، گیلمارتین، مونتر و شرلو، ۱۳۹۰، ص ۷۹).

^۱ (hégémoine) هژمونی به نوعی از قدرت اطلاق می‌شود که نه تنها به زور در قدرت اشاره می‌کند بلکه به مقبولیت‌بخشی و

«تحلیل آیین شهریار در ایران باستان» اثر «زمزم» چاپ شده در مجله مطالعات ایرانی (۱۳۸۷)، «تحول و انتقال دینی هخامنشیان، در دوره های اشکانی و ساسانی» نوشته‌ی مشترک «نجمی و کاویانی پویا» منتشر شده در مجله مطالعات ایرانی (۱۳۹۰)، «نقش حکومت‌های ایرانی نژاد شرق آسیای صغیر در شکل‌گیری اندیشه بازیابی امپراتوری هخامنشی نزد اشکانیان»، اثر مشترک «ایمان‌پور، زرین‌کوب و حجتی نجف‌آبادی» انتشار در مطالعات تاریخ فرهنگی (۱۳۹۱).

ارائه اندیشه سیاسی قدرت‌گیری و توسعه

طلبی در دوره مهرداد اول

گروهی از مسکوکات اشک ششم، مهرداد اول (۱۷۱-۱۳۸ پ. م) اشاره بر توسعه‌ی قدرت شاه پارت دارد. این مسکوکات در نواحی مرکزی و غربی ایران ضرب شده‌اند. از این زمان به بعد پارتیان نه تنها به عنوان قدرت جهانی ظاهر شدند؛ بلکه نقش مهمی در فعالیت‌های تجاری ایجاد شده بین شرق و غرب ایفا نمودند (Sadaei & et al, 2010: 17). این قدرت‌گیری شاهان پارت، بعد از شکست آنتیوخوس سوم در برابر رومی‌ها بود. بر این اساس پارت‌ها قدرتش را در هیرکانیا، هرات و شاید در نسا احیا کردند (Sellwood, 1980: 21-26). مهرداد اول از جنگ‌های خانگی شاهزادگان سلوکی بهره برد و بعد از تصرف ماد، شهرهای بابل و سلوکیه را تصرف نمود (ولکسی، ۱۳۸۳، ص ۹۵). مهرداد اول بر سکه‌هایش عنوان «شاه بزرگ» را نمودار ساخت که

در این پژوهش داده‌های مورد نیاز از طریق مطالعات کتابخانه‌ای و منابع دسته اول باستان‌شناسی، تاریخ اسطوره‌شناسی گردآوری شده‌است و از آنجا که هدف شناخت اندیشه سیاسی است، برای تجزیه و تحلیل داده‌ها، از روش تحلیل محتوا سود برده شده و چون برهه‌ی زمانی حدود دو قرن را دربرمی‌گیرد برای پی‌بردن به روند اندیشه سیاسی قدرت‌گیری و توسعه‌طلبی از روش تاریخی نیز استفاده شده‌است.

پیشینه پژوهش

در زمینه پیشینه پژوهش باید اشاره کرد؛ هر چند در مورد تاریخ و باستان‌شناسی دوره اشکانی کتاب و مقالات بسیاری منتشر گردیده است؛ اما کمتر اثری را می‌توان یافت که با رویکرد اندیشه سیاسی به نوشته‌های مورخان و آثار برجای مانده از این دوران توجه نشان دهد. با این حال چند اثر در این باره هستند که عبارتند از: «بازتاب هنر، سیاست و مذهب ایرانی در نقوش برجسته‌ی صخره‌ای دوران اشکانی و ساسانی» نوشته‌ی «رضایی‌نیا» منتشر شده در فصلنامه مطالعات ملی (۱۳۸۷)، «پیگیری سنت‌های ایرانی در سکه‌های اشکانی» اثر مشترک «شکوری‌فر و نصرالله‌زاده» چاپ شده در جستارهای تاریخی (۱۳۹۵)، «اشکانیان و سنت‌های کهن ایرانی: پای بندی یا عدم تقید اشکانیان به سنت‌ها و موارث فرهنگی» نوشته‌ی مشترک «زرین‌کوب و نادری» انتشار یافته در جستارهای تاریخی (۱۳۹۳)،

شاهان نخست امپراتوری پارت اهمیت بسیاری دارد از جمله: ساخت کاخ در جوار برج معبد و معبد دایره در مهرداد کرت (شکل ۱). این نوع فضای معماری نشان می‌دهد، شاه پارتی علاوه بر کسب مشروعیت به واسطه‌ی شهرسازی، دست‌کم در میان عشیره‌های پارتی از خلال برگزاری مراسم مذهبی نیز مشروعیت به دست می‌آورد. بعد از حمله‌ی اسکندر، از زمان رواج فرهنگ هلنی، یکی از وظایف مهم شاه، ساخت شهرهای آباد و پر-امنیت بود که در دوره‌ی ساسانی به اوج خود می‌رسد و نیز به شیوه‌ی شهرسازی هلنی معبد در شهر ساخته می‌شد اما این معابد برگزارکننده‌ی آیین‌های مذهب شرقی هستند که با ترکیب یا همسان‌انگاری با ایزدان یونانی دوباره سربرآوردند، این موضوع به ویژه در معابدی که در غرب امپراتوری پارت ساخته می‌شود، خود را نشان می‌دهد. در حقیقت با ورود فرهنگ هلنی به ایران ساخت معبد رواج می‌یابد، معابد در یونان باستان سیاست را به مسیر دلخواه هدایت می‌کردند و باعث توسعه و پیشرفت مصنوعات تزئینی و دستی می‌شدند. در بسیاری از شهرهای پارتی ما شاهد مصنوعات و مجسمه‌هایی هستیم که آن‌چنان فاخر نیستند (عباسیان، ۱۳۸۶، ص ۱۰۸، ۱۵۸). در حقیقت این اشیاء بازتابی از هنر دستی معبد برای طبقه متوسط و شهرنشین هستند. این اشیاء احتمالاً ابتدا توسط صنعتگران مهاجر یونانی برای خدایانشان ساخته می‌شدند؛ ولی کم کم ایزدان

پاسخی بر توسعه‌ی ارضی و افزایش دعاوی پادشاه بود (سلوود، ۱۳۸۹، ص ۳۸۳). ویسهوفر^۲ به برخی از سکه‌های مهرداد اول با لقب «تئوس»^۳ (خدا) اشاره می‌کند که گویای تأثیر جهان‌بینی هلنی بر شاه پارتی بود (Tada, 2008:95). این لقب بر سکه‌های آنتیوخوس اپیفانوس ظاهر شده و مهرداد اول که خود را جانشین شایسته برای سلوکیان می‌دانست، بار دیگر از این عنوان بهره برد (همان منبع، ص ۹۹). از مهم‌ترین داده‌های باستان‌شناسی، از دوران حکمرانی مهرداد اول شهر نسا در نزدیکی عشق‌آباد است. این آثار به طور چشمگیری چارچوب اندیشه‌ی سیاسی پارتیان را نشان می‌دهد. نسای باستانی از دو بخش نسای قدیم و نسای جدید تشکیل شده است. نسای کهنه یا قدیم اقامتگاه شاهی بوده و معابد، کاخ‌ها، گنجینه‌های مختلف سلطنتی در آن‌جا قرار داشته‌اند، همچنین دیوار دفاعی و ۴۳ برج داشت، در حالی که نسای جدید مرکز شهر پارت‌ها بود. نسای جدید از روی روستای قدیم‌تر در سده‌های دوم و اول پیش از میلاد بنا شده است و دارای دیوار دفاعی منظم و تقسیم شده به دو محله‌ی اشراف و مردم معمولی است (محمدی‌فر، ۱۳۹۰، ص ۷۱-۶۹). شهر نسا نمودار پذیرش شیوه‌ی شهرسازی و زیرساخت‌های شهر به شیوه هلنی توسط پارتیان است. ساخت معبد اساساً بازنمودی از عناصر شهرهای یونانی است. در شهر نسا برخی از داده‌های باستانی برای شناخت اندیشه‌ی سیاسی،

1Wiesehöfer

2Theos

شهرسازی باعث می‌شود این شهرها با تدبیر و نیروی عقل طبقه ثروتمند اداره شود. در حقیقت اندیشه‌ی سیاسی دوران اشکانی جدا از شاهان پارتی، نموداری از اندیشه‌ی سیاسی طبقه‌ی ثروتمند اداره‌کننده‌ی شهر است. ساخت شهر و معبد بازتابی از اندیشه‌ی سیاسی هلنی است که پارتیان برای حفظ و گسترش قدرت سیاسی خود بر پا می‌داشتند. با این حال اینورنیزی^۵ معتقد است: مجسمه‌های مفرغی نسای قدیم خدایان یونانی هستند که می‌توان آنها را معادل خدایان ایرانی دانست (Tada, 2008: 91). ویژگی دیگر نسا ساخت دیوار دفاعی است که متأثر از اندیشه‌ی تدافعی پارتیان است، پارتیان که قوم جنگاور بودند و در ابتدا وظیفه‌ی حفظ مرزهای شمال شرقی امپراتوری سلوکی را عهده‌دار بودند، شیوه نظامی تدافعی داشتند و در ساخت شهرها با ایجاد دیوار دفاعی و برج‌ها این اندیشه را به نمایش گذاشتند. اهمیت، حفظ و دفاع از شهر در برابر حملات دشمن مسلح نقش مهمی در اندیشه‌های سیاسی و تداوم حکومت پارتیان داشت؛ زیرا شهرها نه تنها در برابر هجوم بیگانگان بلکه در برابر فئودال‌های سرکش و مخالفان سلاطین نیز می‌باید از خود دفاع می‌نمود. بسیاری از شهرهای پارتیان مانند مرو، تیسفون، نسا و هاترا دارای دیوارهای دفاعی مستحکم بودند. این اندیشه در شهرسازی بر شیوه شهرسازی ساسانی و دوران اسلامی تأثیر نهاد و شهرهای ایران شامل چند بخش شدند: ۱- کهنه‌دژ، محل سکونت شاه یا حکام و درباریان. ۲-

ایرانی هم دارای مجسمه شدند مثلاً برخی از مجسمه‌های کوچک و نقش برجسته‌های اشکانی، ظاهراً نمایانگر آن‌هاست، مانند مجسمه‌های کوچک برنزی به دست آمده از نهاوند، مجسمه‌های گل پخته از شوش و مجسمه‌ای دیگر در برلن که دارای مشخصاتی از جمله نشانه‌ی آن‌هایتا گُل - ستاره (سیاره‌ی ناهید) که همانندی آن‌ها را با این ایزدبانو تأیید می‌کند (دوشن - گیمن، ۱۳۸۱، ص ۲۸۵). احتمالاً از همین طبقه‌ی اجتماعی صنعتگران یونانی، بعدها طبقه‌ی اجتماعی هوتُخشان^۴ (افزارمندان) سر برآورد. در بنای کاخ نسا، موسوم به «خانه مربع» تندیس‌های عظیم گلی در بخش فوقانی قرار داشتند؛ این‌ها احتمالاً اجداد دارای مرتبه الوهیت پارت‌ها را نشان می‌دهند (هرمان، ۱۳۸۷، ص ۳۵) یا شاید باز نمودی از کارگزاران و اداره‌کنندگان شهر باشند. علاوه بر این اثر، در یک جام عاج از نسا، حاشیه‌ی بالای آن با سر انسان تزیین شده است و در هاترا نیز بر دیوارهای شهر سر انسان (شکل ۲) کار گذاشته شده است و در نسا حتّی، بر روی عاج تصاویر بسیاری از انسان‌هایی به تصویر درآمده که در حال انجام فعالیت‌های روزانه هستند. در کل ساخت تندیس مفرغی و مرمری از زمان ورود یونانیان به ایران تعداد زیادی را به خود اختصاص داده است (هرمان، ۱۳۸۷، ص ۶۵-۴۱). این سرهای انسان، آشکارا به رشد عقل‌گرایی و توجه به انسان به عنوان اداره‌کنندگان شهر اشاره دارد که با تأثیرپذیری از فرهنگ هلنی ایجاد شده‌اند. رشد

1 hutuxšān

2 Invernizzi

بروز نکرده است. به هر حال ویژگی جنگاوری شاهان پارت عامل محبوبیت ایزد مهر در میان آنها گشت. مهر از ایزدان، هندوایرانی است که سه خویشکاری روحانی، برکت‌بخشی و جنگاوری داشت. از میان این سه خویشکاری برجسته‌ترین آن، صفات دلیری، جنگاوری و حمایت از جنگاوران راستین است (Gershevitch, 1967: 26). بر برخی از سکه‌های پارتی تصویر خورشید و ماه نقش شده است. شاید این تصاویر به این معنا بود که شاه را مهر متجسد می‌انگاشتند؛ یعنی معتقد بودند که ایزد مهر در وجود شاه حلول می‌کند (بهار، ۱۳۸۴ الف: ۱۰۱). یکی از آثار بر جای مانده در مورد دین مهری از دوران پارت، معبد مهر مراغه است (دقیق نجد، ۱۳۹۰، ص ۶۰). در اسناد نسا نیز نام مهر در ترکیب نام شاهان مانند مهرداد به معنی «آفریده‌ی مهر» تکرار شده است. بر این اساس ویدنگرن^۶ معتقد است، ایزد مهر و پرستش آن در پادشاهی پارتیان نقش داشته است. به ویژه این که پرستش ایزد مهر، در میان مردم ایران در آسیای مرکزی و شرق ایران که پارتیان از آنجا نشأت گرفته‌اند، رایج بود. در دوران ساسانی، ایزد مهر، اهمیتش را از دست می‌دهد، به آن علت که، این آیین اصلی دودمان خلع‌شده‌ی پارتیان بود (Olbrycht 1997: 46). بر طبق شواهد سکه‌شناسی و نقش‌برجسته (شکل ۳)، آنان همچنین آیین آتش را برپا می‌کردند و نسبت به ادیان جاری امپراتوری از در سازش درآمدند (ادی، ۱۳۹۲، ص ۱۱۸-۱۱۷). در انتخاب نظام فئودالی

شارستان محل سکونت لشگریان، اشراف کوچک و دیوانیان. ۳- سواد یا حومه شهر محل سکونت کشاورزان و پیشه‌وران، هر بخش به نوبه خود دارای برج و باروری جداگانه بود (معطومی، ۱۳۸۲، ص ۱۵۰-۱۴۹). آثار نسا بازتاب‌دهنده‌ی اندیشه‌ی سیاسی قوم پارتی بر مبنای پذیرش فرهنگ سیاسی هلنی است. وجود اسامی متعدّد ایرانی در اسناد نسا نشان می‌دهد، این فرهنگ هلنی توسط افراد متعدّد ایرانی مورد استقبال قرار گرفته بود. اسامی چون اهورمزدیک، آرتَه‌وهیشتیه، فرنیغ، دینمزدک و ... بدون استثنا همه نام‌های خاص ایرانی هستند (ایمان‌پور و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۵). در شهر نسا آثاری نمودار آیین خدایی کردن پادشاه یا نیاکان پرستی روزگار باستان برجای مانده است مانند وجود معبد کهن، آرامگاه شاه در نسا، بایگانی به دست آمده از نسا در مورد تاکستان‌های مورد بهره‌برداری شاه، ریتون‌های زیبایی از عاج شواهدی بر این آیین و ارزشمند بودن مراسم و جشن‌های آیینی شاه هستند (کالج، ۱۳۸۵، ص ۹۰؛ بهار، ۱۳۸۴، ص ۱۰۳، کشنلو، ۱۳۸۹، ص ۲۰۴؛ بروسوس، ۱۳۸۸، ص ۱۴۴). هر چند، واضح است، با شیوه‌ی اداره‌ی حکومت پارتیان به صورت فئودالی این مقام الهی شاه فقط در میان اقوام پارتی دارای ارج بود؛ زیرا هر ایالت و شهر آیین ویژه‌ی مشروعیت‌بخشی شاه خود را داشت و شاهان پارت در دید آن‌ها، جنگاوران دلیر بودند تا شاه روحانی و جنگاور. بر این اساس در دوره پارت آن چنان مفهوم شاه آرمانی هخامنشی و ساسانی

توسط پارتیان، عوامل متعددی دخیل بودند، به هرروی نباید تصور نمود، این نظام و حفظ ناهمگونی فرهنگی از ضعف اندیشه‌ی سیاسی پارتیان ناشی می‌شد؛ بلکه تغییر شرایط سیاسی برای حفظ قدرت، عامل ایجاد چنین اندیشه‌ی سیاسی بود. نظام جامعه‌ی پارتی بر اساس عشیره‌ها و تیره‌ها بود، گرچه آن‌ها با مزیت ساخت شهر آشنا بودند و شاه نخست آن‌ها در شهر آساک تاج‌گذاری کرد؛ ولی آن‌ها همچنان نظام عشیره‌ای را حفظ کردند، آن‌ها پیش از ورود به ایران فرصت کافی به دست نیاورند تا زیرساخت‌های نهادهای اجتماعی مورد نیاز امپراتوری را ایجاد کنند و بعد از فتح ایران نیز درگیری در جنگ‌های متعدد در شرق و غرب چنین مجالی را برای آن‌ها فراهم نساخت. این در حالی بود که پارتیان هنگامی که سراسر سرزمین ایران را تصرف می‌کردند با تشکیلات منظم روبه‌رو شدند؛ همچون شهر و مهاجرنشین‌هایی که مرکب از یونانیان و ایرانیان بودند، این طبقه‌ی میانجی با پارتیان و یونانیان همکاری خود را ادامه دادند (جوادی، ۱۳۸۰، ص ۲۶۲)، از طرف دیگر پارت با پادشاهی‌هایی چون مادبزرگ، ارمنستان، شاهان فرترکه و پادشاهی الیمایی مواجه شدند. این پادشاهی‌ها، حاصل فروپاشی شهرهای دوران هخامنشی بودند، که با ورود مقدونیان ارزش و اعتبار خود را از دست داده بودند و از زمانی شکل گرفتند که آنتیوخوس سوم استقلال پارت و هیرکانیا را به رسمیت شناخت (بهار، ۱۳۸۴، ص ۷۹؛ بروسوس، ۱۳۸۸، ص ۱۵۶). شهرها و شاهان محلی ایران اشباع شده

از فرهنگ آریایی، آسیای غربی، بومی ایران و هلنی بودند. در حالی که پارتیان مسیر تحوّل و تکامل اندیشه‌ی سیاسی شهرها و شاهان محلی را نگذرانده بودند و از همان لحظه ورود بسیاری از آنان به مخالفت پارت‌ها برخاستند. پارتیان سوارکاران عمیقاً ایرانی بودند که خصوصیات اصیل ایرانی را به همراه داشتند، شاهان پارت هیچ‌گاه از این موضوع غفلت نکردند و در زمان گرفتاری ترجیح می‌دادند که به جای کمک گرفتن از پارس یا ماد از استپ‌های مشرق خزر یعنی خویشاوندان بدوی خویش یاری بخواهند (ادی، ۱۳۹۲، ص ۲۵-۲۴۲). هنگامی که مهرداد اول بسیاری از مناطق ایران را گشود، بسیاری از شاهان محلی ناراضی بودند و وقتی دمتریوس سوم شاه پارت برای تسخیر مجدد بخش شرقی شاهنشاهی خود حرکت کرد، شهرهای سلوکیه، الیمایی، پارس و حتی بلخیان بر ضد سرور جدید به یاری او برخاستند (گیرشمن، ۱۳۸۵، ص ۲۹۰). به هر حال سلوکیان در نزد این پادشاهی‌ها، سلسله نیمه‌ایرانی بودند که شهرها را از زیر سلطه شاهان هخامنشی رهانده و باعث رونق کشاورزی، تجارت، شهرسازی و آزادی فرهنگی و دینی شهرها شده بودند؛ ولی آن‌ها نمی‌دانستند سرور جدیدشان - پارتیان - برایشان چه در چته دارند. با این همه پارتیان با هوشمندی، وضعیت پادشاهی را حفظ کردند و سبب شدند آن‌ها به تکامل خود ادامه دهند و مانع از درهم‌پاشی شاهان محلی گردند. پارتیان ارزش شهرها، شاهان محلی و تمدن هلنی را می‌دانستند و آن را ارج می‌نهادند. شهرها

در حیات سیاسی و اقتصادی شاهان پارتی نقش برجسته‌ای داشتند؛ بنابراین شاهان پارتی همان تقسیم‌بندی اداری شهرهای سلوکی را پذیرفتند و با دادن استقلال به آن‌ها مانع برهم‌زدن نظم موجود و بازگشت به وضع پیش از اسکندر شدند، که برخلاف منافع دولت بود (گیرشمن، ۱۳۸۵، ص ۳۱۶). پارتیان با چنین اندیشه‌ی سیاسی در قبال پادشاهی‌ها و شعار استقلال آنان از زیر سلطه یونانیان شورش‌ها را آرام نموده و به اقدامات خود مشروعیت بخشیدند. یکی از شاهان محلی الیمایی‌ها بودند. از آثار برجای مانده مهم آنان نقش برجسته‌ها است. در این نقش برجسته‌ها شاهان محلی بدون اشاره به شاهنشاه مطلق خود یعنی پارتیان خود را معرفی کرده‌اند (ویسهوفر، ۱۳۸۵، ص ۱۶۵). شاهان الیمایی به واسطه‌ی این رسانه‌ی هنری تأثیر به‌سزایی در گسترش اندیشه‌ی سیاسی دوران گذشته یعنی هخامنشیان و تمدن آسیای غربی داشتند. با توجه به نقش برجسته‌ها و معابد بر جای مانده از الیمایی‌ها، آن‌ها انتقال-دهندگان اندیشه‌ی سیاسی دوران پیش به پارتیان و ساسانیان بودند و از طرفی در آمیزش اندیشه‌ی سیاسی هخامنشی با هلنی بسیار موفق عمل کردند. شاید الیمایی‌ها یکی از مهم‌ترین رقبای پارت‌ها بودند که از طریق باززایی اندیشه‌ی سیاسی باستانی ایران و ترکیب با اندیشه‌ی سیاسی مطلوب ساکنان یونانی در صدد قدرت‌گیری بودند. نقش برجسته‌های آن‌ها هم جنبه‌ی الهی فرمانروا از طریق برپایی آیین‌های مذهبی و هم جنبه‌ی جنگاوری شاه و وجود تشکیلات منظم درباری با

کارگزاران متعدد را ارائه می‌دهند (واندنبرگ و شیپمن، ۱۳۸۶، ص ۸۴-۶۶). مهرداد اول در پی همکاری کامناسکیر، پادشاه الیمایی با دمتریوس شاه سلوکی به الیمایی حمله کرد و معابد آتنا و آرتیمیس را غارت نمود و با غارت این معابد ثروتی معادل با ده هزار تالان به دست آورد (Potts, 1999: 392). پیروزی مهرداد اول بر الیمایی‌ها در نقش برجسته‌ی خونگ‌نوروزی در دشت مال‌امیر نقش شده‌است، در این نقش برجسته (شکل ۴) شاهزاده محلی و ملازمانشان نسبت به شاهی با مقام بالاتر یعنی مرد سواره ادای احترام می‌کنند (واندنبرگ و شیپمن، ۱۳۸۶، ص ۴۲). از آثار برجای مانده دیگر الیمایی پرستشگاه‌هایی در فضای باز است که تقلیدی از آتشگاه‌های هخامنشی را نشان می‌دهد. یکی از این‌ها در بردنشانده و دیگری در کوه‌های بختیاری قرار داشت (درخشی، ۱۳۸۱، ص ۸۹). این پرستشگاه‌ها از نظر شیوه ساخت مشابه معبد آنهیتای کنگاور، متعلق به دوره‌ی پارت است (حیدری، ۱۳۹۱، ص ۸۳). از این رو، شاید بتوان معبد شمی در کوه‌های بختیاری و معبد برده-نشانده در مسجد سلیمان را همان معابد آتنا و آرتیمیس در نظر گرفت. یکی از مهم‌ترین آثار بر جای مانده از دولت سلوکی و اشکانی که در منابع تاریخی بارها به آن اشاره شده و آثاری از آن نیز بر جای مانده است. معابد متعلق به آرتیمیس و آنهیتای ایرانی است. در ابتدا یونانی‌های مهاجر به ایران مطابق سبک معماری خود معابدی برای آرتیمیس ساختند و بعد از مدتی خدایان یونانی را همسان و برابر خدایان ایرانی انگاشتند؛ اما

(Spier, 1975: 101). و این به علت وجود نیروهای نظامی وسیع پارتی در جای جای امپراتوری بود. رشد بازرگانی مدیون نیروی نظامی پارتیان بود که امنیت راه‌ها و شهرهای مرزی مهم را که مکان ترانزیت کالاها بودند، تأمین می‌نمود. پارتیان از گسترش بازرگانی حمایت می‌کردند؛ چرا که حقوق گمرکی از منابع مهم عواید خزانه‌ی سلطنتی بود. با تشکیل دولت اشکانی جاده‌های بازرگانی به سرعت رونق گذشته خود را بازیافت. مهم‌ترین شاهراه‌های بازرگانی در این دوره از سرحدات چین آغاز شده و از فلات ایران عبور کرده و بین‌النهرین و دریای مدیترانه و دریای سیاه را به هم وصل می‌کرد. سرزمین ایران که در دوره باستان بر محدوده‌ی وسیعی اطلاق می‌شده، جایگاهی بود، برای ارتباط بین ملت‌های شرق و غرب، به همین علت سهم به‌سزایی در ارتباطات فرهنگی و اقتصادی جهان قدیم بر عهده داشته است. همچنان در بازرگانی بین‌المللی نقش میانجی را ایفا می‌کرده است (حاجی‌بابایی، ۱۳۸۰، ص ۲۵۶-۲۴۶). از مهم‌ترین آثار یافت شده در مورد تجارت، سفال‌های مشکوفه از جزیره قشم است که با مطالعه‌ی مقایسه‌ای با سفال‌های نواحی تجاری دور مثل هند و گجرات پی‌برده‌اند که تجارت دریایی در دوران پارتی و ساسانی از رونق چشمگیری برخوردار بوده است (Hojabry & et al, 2011: 98). رشد بازرگانی و تجارت تبعات و ملزومات خود را در پی داشت؛ زیرا در هر زمانی که این امر تحقق می‌یافت، راه‌ها و

خویشکاری‌های ایزد بانوی آناهیتای ایرانی او را الهای محبوب برای شهرنشینان ساخت؛ زیرا پرستش این ایزدبانو، توسعه‌ی زندگی شهری را در پی داشت. خویشکاری‌های آناهیتا تقویت‌کننده‌ی نهادهای اجتماعی بود. خویشکاری‌های آناهیتا از نام کامل وی در اوستا نمایان می‌گردد. نام کامل آناهیتا در اوستا به صورت آردوی سورا آناهیتا به معنای «مرطوب، نیرومند و بی‌گناه» به روشنی به سه خویشکاری برکت‌بخشی، رزم‌آوری و روحانی اشاره دارد (دوشن-گیمن، ۱۳۸۱، ص ۲۳۶). این سه خویشکاری آناهیتا با طبقات سه‌گانه‌ی اجتماعی آریایی یعنی فرمانروایی، روحانی و جنگاوری مطابق است، این سه طبقه با ورود آریایی‌ها به ایران و ایجاد نخستین شهرها نقش بارزی در ایجاد و اداره حکومت ایفا کردند. تداوم ساخت معبد برای آناهیتا هم نشان از پیشرفت این طبقات اجتماعی اداره‌کننده‌ی شهر داشت و هم عامل تقویت این طبقات اجتماعی بود. پرستش آناهیتا، تشویق‌کننده‌ی مردم برای اتکا به امکانات شهری چون منابع آب، کشاورزی و نیروی انسانی و پیشرفت‌دهنده‌ی نهادهای مدنی شهر بود.

از زمان مهرداد اول با واگذاری تیول از طرف شاهنشاه به خویشان و فرمانبرداران خویش، بر جنبه‌ی فئودالی امپراتوری پارت افزوده گشت (ادی، ۱۳۹۲: ۲۴۸). از دوران این پادشاه تجارت نقش مهمی در حیات امپراتوری بازی می‌کرد. ثروت فراوان امپراتوری پارت بر پایه شکوفایی کاروان‌های تجاری بود که از یک سو با چین و هند و از سوی دیگر با روم وارد دادوستد شدند

شد پارتیان به ساخت شهرهای مرزی توجه زیادی داشته باشند؛ زیرا هم محل ترانزیت کالا بودند و هم پناهگاه و مهمات خانه‌ای مهم برای مقابله با حملات رومیان و اقوام بیابان گرد. چنان که اکثر آثاری که «پارتی» توصیف شده‌اند. بیشتر از اطراف امپراتوری‌اند تا از مرکز آن. ایلام، به خصوص بین‌النهرین (هاترا) و حتی از فراسوی مرزهای امپراتوری (دورا، پالمیرا، کوماژن) و از سوی دیگر، محل‌های ایرانی نظیر نسا و بیستون تأثیر فراوانی هنر یونانی-هلنی را نشان می‌دهد. در این مناطق سبک معینی به کار رفته که نشانه‌ی هنر خود پارتیان است یا در مناطق تحت سلطه یا نفوذ آن‌ها به وجود آمده و رشد کرده است. از جمله این ویژگی‌ها، ترسیم چهره از روبه‌رو است. همچنین توجه زیادی به ترسیم جزئیات نظیر «جامه پارتی» یا جواهرات نشان داده شده است. مشهورترین مرکز هنر پارتی در شمال بین‌النهرین است که ویژگی‌های آن یکی معماری با «ایوان» و دیگری پیکرتراشی و مجسمه‌سازی است (ویسهوفر، ۱۳۸۵، ص ۱۶۶). بررسی فضای کالبدی شهرهای مرزی در نواحی غربی امپراتوری پارت، پایه‌های اصلی اندیشه‌ی سیاسی آن‌ها را روشن می‌سازد. یکی از این شهرها دورا-اروپوس است. این شهر در ابتدا به صورت قلعه نظامی ساخته شد، از لحاظ استراتژی اهمیت فراوانی برای امپراتوری روم داشت (Reeves, 2004: 17). این شهر دارای استحکاماتی از دوره سلوکی نظیر قلعه، بارو، ۲۴ تا برج، دیوار مدوری به طول ۲,۲ کیلومتر و چهار

امکانات بین راهی از جمله آب انبارها، پل‌ها و کاروانسراها هم مورد توجه قرار می‌گرفتند. مراقبت از کاروان‌ها در جاده‌ها نیز بر اساس اسنادی که از شهر دورا-اروپوس به دست آمده، بین سال‌های ۵۰ میلادی تا ۱۶۵ میلادی، جاده تجاری از دورا-اروپوس می‌گذشت و به پالمیرا منتهی می‌شد. در این شهر پادگان نظامی قرار داشت که امنیت راه‌ها را از سمت غرب، جنوب و شرق در طول فرات را تأمین می‌کرد. پارتیان از طریق تجارت مواد لازم برای ساخت اسلحه را که مورد نیاز پلیس‌های راه بود، فراهم می‌ساختند. در میان فهرست مواد مورد دادوستد، مواد خام صنعت اسلحه‌سازی یعنی آهن مقدار چشمگیری را به خود اختصاص می‌داد. آهن مرغوب از چین وارد می‌شد. از طرفی پارتیان بسیار به پرورش اسب که مورد نیاز سپاهیان بود، توجه داشتند (معطوفی، ۱۳۸۲، ص ۱۴۹-۱۴۸ Steinlauf, 2004: 84). تجارت و عواید حاصل از آن در کنار ایجاد امنیت امپراتوری توسط نیروی نظامی پارتیان، مهم‌ترین عوامل تداوم حاکمیت آن‌ها در سرزمین ایران و کسب مشروعیت بود. شاهان محلی که اقتصاد و تجارتشان به سطح منطقه‌ای محدود می‌گشت؛ به عنوان بخشی از امپراتوری پارت می‌توانستند به پشتوانه‌ی حمایت نظامی به سرمایه‌گذاری در امور زیربنایی و تجارت زمینی دل ببندند، شاه پارت هم در مقابل به حمایت آنان در جنگ‌ها نیاز داشتند (بروسوس، ۱۳۸۸، ص ۱۵۸). دو عامل جنگ و تجارت بر هنر پارتیان تأثیر نهاد و باعث

دروازه بود (همان، ۱۵۰). ولی با تصرف شهر در سال ۱۱۳ پ.م توسط پارتیان به شهر تجاری مبدل گشت. طرح این شهر به صورت شطرنجی شبکه‌بندی شده است. از بناهای این شهر می‌توان به حمام‌های عمومی و آمفی‌تئاتر اشاره کرد. با توجه به موقعیت ویژه این شهر به عنوان یک شهر تجاری و حضور اقوام و پیروان مذاهب گوناگون، نیایشگاه‌های متعددی در این شهر ساخته شده‌اند. از جمله بناهای نیایشگاهی دورا-اروپوس می‌توان به معابد آرتیمیس، آتار گاتیس، آفیه، زئوس، معبد مهر و یک کنیسه اشاره نمود (محمدی‌فر، ۱۳۹۰، ص ۱۸۵). شهر مهم دیگر هاترا است. شهر هاترا یکی از مهم‌ترین شهرهای پارتیان به شمار می‌رفت که توسط امیران‌الحضر، اعرابی که تازه در آنجا اسکان یافته بودند به صورت دست‌نشانندگان پادشاهان پارتی درآمد. معماری و هنر این شهر ترکیبی از ویژگی‌های هنر سوری، پارتی و غربی بود. از مهم‌ترین ویژگی شهر هاترا باروی قطور‌الحضر که نقشه‌ای کمابیش مدور داشت و کاخ یا معبد که پرستشگاه خورشید بود، هستند. جواهرات و مجسمه‌های برجای مانده از شهر هاترا (شکل ۵)، باز نمودی از ثروت مردمان این شهر بود (هرمان، ۱۳۸۷، ص ۶۸-۶۶). شاهان هاترا به عنوان «حاکمان مذهبی» تاجشان را از شاه پارت دریافت می‌کردند (Curtis, 2001: 32). پارتیان با ساختن دژ در مرزهای جنوبی‌تر تلاش می‌کردند تا کنترل خود را بر آن نواحی حفظ کنند (Keall, 1970: 171). سه عامل فرهنگ، اقتصاد و اقلیم، مشخصه‌های

کالبدی، شکل، ساخت و ریخت‌شناسی شهری را به وجود می‌آوردند. می‌توان گفت فرهنگ یک جامعه، نوع اقتصاد و اقتصاد آن جامعه نوع تکنیک، نوع تکنیک ساخت نظام کالبدی آن جامعه را مشخص می‌سازد (زیاری، ۱۳۸۲، ص ۹۷). با بررسی شهرهای مرزی امپراتوری اشکانی آشکار می‌شود. فرهنگ تدافعی، رواداری با مذاهب و حفظ رابطه‌ی میانجی ملل شرق و غرب در تجارت سه پایه‌ی اندیشه‌ی سیاسی پارتیان بود، همین سه اندیشه عوامل اصلی در شهرسازی امپراتوری پارتیان بود. اندیشه‌ی سیاسی سازش با ادیان، باعث سربرآوردن آیین‌های پیشین محلی وابسته به فرهنگ آسیای غربی و ترکیب آن با عقاید هلنی و یا ایرانی شد. بدین ترتیب خدایان فرهنگ آسیای غربی با عناوین و خویشکاری‌های نو ظاهر شدند. خدای بعل عنوان نو برای خدای مردوک بابل است، نانا همان خدای اینن سومری و شمش خدای باستانی فرهنگ آسیای غربی، خدای شهر هاترا شد (کالج، ۱۳۸۵، ص ۹۵-۹۳). شهر هاترا، از شهرهایی بود که هزینه‌های دولت پارت را تأمین می‌کرد و پارتیان نیز امنیت آن را فراهم می‌ساختند. آثار برجای مانده از دو شهر دورا — اروپوس و هاترا، نشان از ثروت شهروندان آن دارد. یکی از نکات برجسته در فرهنگ شهر هاترا، ساخت شهر برای خدای خورشید است. خدای خورشید شهر هاترا، خدای شمش فرهنگ آسیای غربی بود که یکی از خویشکاری‌های عدالت و نظارت بر قوانین می‌باشد، چنان‌چه در سنگ‌یادمان حمورابی،

تصویر شاه و خدای شمش در بخش فوقانی نقش شده‌اند و حمورابی قانون خود را در حضور شمش عرضه می‌دارد، پرستش شمش در شهر ثروتمند هاترا، شاید نشانی از رعایت حقوق شهروندی باشد. پارت‌ها با به کارگیری اندیشه‌ی سیاسی صحیح و مطابق با شرایط سیاسی ایران، توانستند در زمان مهرداد اول قدرت امپراتوری اشکانی را تثبیت نمایند و چشم‌انداز سیاسی خاور نزدیک را متحول سازند.

ارائه اندیشه سیاسی قدرت‌گیری و توسعه‌طلبی در زمان مهرداد دوم

اشکانیان تا پیش از دوران مهرداد دوم (۱۲۳-۸۸ پ.م) از طریق اندیشه‌ی سیاسی استقلال‌دهی به شاهان محلی، اخراج سلوکیان، تأمین امنیت جاده‌ها و شهرها و گسترش تجارت، مشروعیت لازم را نزد شاهان محلی کسب کردند؛ اما از زمان مهرداد دوم القابی بر روی سکه‌ها آشکار گردید که نویددهنده‌ی اندیشه‌ی سیاسی جدید شاه امپراتوری پارت بود، وی عناوین «شاهنشاه» و «دوستدار یونان»^۷ را بر سکه‌هایش ضرب کرد (سلوود، ۱۳۸۹، ص ۳۸۹-۳۸۸). اندیشه‌ی سیاسی جدید شاهان پارت، پیامد حوادثی است که مابین حکومت مهرداد اول تا مهرداد دوم روی داد. شواهد سکه‌شناسی از جانشین مهرداد اول، فرهاد دوم بر مبنای توزیع سکه‌های نقره خبر از درگیری وی در جنگ و دوران کوتاه حکومتش می‌دهد (Sodaei & et al: 2010: 17). در زمان فرهاد

دوم و عمویش اردوان اول سکاها به ایران حمله کردند. در این زمان نشانی از تجزیه پارت دیده می‌شود که این موضوع، گواهی بر نقش فزاینده عنصر سامی در بین‌النهرین است. از طرفی امپراتوری روم با اهداف توسعه‌طلبانه در سال ۱۲۹ پ. م بر آسیای صغیر که ایالتی آسیایی بود، چیره شد (ولسکی، ۱۳۸۴، ص ۱۰۲-۱۰۱). بر اثر یورش بیگانگان به ایران، اندیشه‌ی سیاسی پیشین پادشاهان پارتی دیگر جوابگوی نیازهای ایدئولوژیک حکومت اشکانی نبود. لذا پارتیان در برابر فشارهای خارجی در جستجوی تفکر سیاسی جدید برآمدند تا بتوانند قدرت آنان را در مواجهه با دولت متجاوز روم سازماندهی نماید. بر این اساس آنان ایران‌گرایی هخامنشی را تفکر سیاسی مناسب با شرایط حاکم بر قرن اول پیش از میلاد یافتند. بر این اساس توجه به ارمنستان، آسیای صغیر، سوریه، بین‌النهرین به عنوان میراث امپراتوری هخامنشی را در سر لوحه‌ی برنامه‌ی سیاست خارجی پارتیان قرار گرفت. پارتیان، به طور جدی در برابر فشارهای سلطه‌جویانه‌ی روم به رغم برتری‌های نظامی‌اش، مقاومت نشان داد و حتی پیروزی‌های نظامی شگرفی را در برابر رومیان خلق کردند (ایمان‌پور و همکاران، ۱۳۹۱). تنها استفاده درست و بجا از القاب «دوستدار یونان» و «شاهنشاه» گویای اندیشه‌ی سیاسی والا در دوران مهرداد دوم و شاهان پارتی است؛ چنان‌که از شواهد سکه‌شناسی برمی‌آید، این القاب در کمال دقت و احتیاط تبلیغ می‌شد، به طوری که لقب

«شاهنشاه» بر سکه‌های چهار درهمی که مصرف بین‌المللی داشت، حک نمی‌گشت؛ ولی بر سکه‌های یک درهمی که برای مصرف محلی ایران ضرب می‌شد، موجود بود و لقب «دوستدار یونان» تا زمان مهرداد دوم فقط بر سکه‌هایی حک می‌شد که مصرف بین‌المللی داشت (ادی، ۱۳۹۲، ص ۱۱۰). در حقیقت ضرب عنوان «دوستدار یونان» بر سکه‌های بین‌المللی نوعی تبلیغ و جنگ روانی بود تا یونانیان کشورهای بیگانه که در صدد بودند با یونانیان داخل ایران بر ضد حکومت توطئه بچینند، بدون جنگ نظامی سرکوب گردند. عنوان «دوستدار یونان» بر سکه‌های مصرف محلی حک نمی‌شد؛ زیرا ایران متشکل از اقوام گوناگون بود و چنین سیاستی احتمالاً منجر به شورش اقوام دیگر می‌گردید. شاهان پارت با حک کردن عنوان «شاهنشاه» و رساندن نسب خویش به اردشیر دوم (کالج، ۱۳۸۵، ص ۲۹)، به دنبال اهداف توسعه‌طلبانه شاهان هخامنشی نبودند بلکه خواهان جذب خاندان‌های بزرگ ایرانی بودند تا با کمک آن‌ها در مقابل تحریکات بین‌المللی بایستند و مناطق متصرفی توسط روم را بازپس گیرند و از آن‌ها حفاظت نمایند. مهرداد دوم لقب «شاهنشاه» را بر سکه‌های بین‌المللی حک نمی‌کرد؛ زیرا نمی‌خواست با این اقدام کشورهای توسعه‌طلب مانند روم را تحریک کند و موجب حملات بیشتر این کشور به نواحی غربی شود. مهرداد دوم در اجرای این سیاست بسیار موفق بود. او توانست طی دوران طولانی پادشاهی خود خاندان‌های بزرگ ایرانی را جذب سلسله اشکانی کند،

خاندان‌های بزرگی که بدون همکاری آن‌ها انجام وظیفی که از او انتظار می‌رفت و بهبود و تکامل فنون جنگی ارتش پارت برایش مقدور نبود. همان ارتشی که بدون آن ادامه موفقیت‌های نظامی بی‌وقفه‌اش غیرقابل تصور بود (ولسکی، ۱۳۸۴، ص ۱۰۲). حتی سکه‌های مهرداد اول، در سرزمینی که اواز او کراتید گرفته بود، تأثیر سکه‌های باختری به شیوه یونانی داشت. (کالج، ۱۳۸۵، ص ۱۲۹). با همه‌ی موفقیت‌های مهرداد دوم و کسب اقتدار و مشروعیت نزد شاهان محلی و ایالات، بسیاری از ایالات چون آذربایجان، خوزستان، ارمنیا و ... و بسیاری از شاهان محلی مثل پارس و خوزستان حق ضرب سکه داشتند (Kiani, 2012: 1112). طبق شواهد سکه‌شناسی، در دوران مهرداد دوم، ماد به دو پاره تقسیم می‌شد، یکی نواحی جنوب ماد که اقتصاد مستقل از امپراتوری پارت داشت و سلسله محلی تحت نفوذ فرهنگ یونانی- ایرانی آن‌جا را اداره می‌کرد و ماد شمالی طرفدار حکومت پارت بود با این حال، ایالات و شاهان محلی، دست کم برای حفظ نظم و امنیت می‌توانستند به پارتیان اتکا ورزند. خطر هجوم رومیان و اقوام کوهستان و یا چادر نشینان به شهرها و حتی ویران کردن آن‌ها، همیشه وجود داشت. حکومت پارتی نه تنها توقعات شاهان سلوکی را نداشت؛ بلکه احتمالاً بسیار هم کم توقع‌تر بود. بنابراین یوغ حکومت آن‌ها آسان‌تر و تحمیلات-شان سبک‌تر بود. بعضی از مورخان گمنام یونانی قرن اول میلادی، حتی دلاوری‌های پارتیان را در مقابله با رومیان مورد ستایش قرار دارند و این

نتیجه‌گیری

با وجود آن که پارتیان دارای طوایف زیادی بودند که به شیوه‌ی کوچ‌نشینی زندگی می‌کردند؛ ولی با انتخاب اندیشه‌ی سیاسی متناسب با شرایط زمانه، قدرت خود را از یک شاه محلی به حد یک امپراتوری گسترش دادند. آن‌ها در طی زندگی‌شان در شمال‌شرق ایران مجال نیافتند، زیرساخت‌های حکومتی چون نظام دیوان‌سالاری و حقوقی را پایه‌ریزی نمایند. از آثار مادی منتسب به اشکانیان نکاتی مناسب در مورد اندیشه سیاسی آن‌ها دریافت می‌شود. از آثار معماری و هنری نسا قائل شدن به مقام الوهیت شاه، هم‌چنین شیوه شهر-سازی به سبک معماری یونانی را می‌توان دید که در این سبک معبد جایگاه اصلی را به خود اختصاص داده‌است. به دلیل جنگاوری شاهان اشکانی مذهب مهری گسترش می‌یابد. از توسعه هنر و شهرسازی در مناطق مرزی و اسناد برجا مانده، استنباط می‌شود که این مناطق از نظر تجاری اهمیت داشته‌اند و نیروی نظامی اشکانی امنیت این مناطق را تأمین می‌کردند. در کل، زمانی که، پارت‌ها ایران را فتح کردند با شاهان محلی روبه‌رو شدند که هر ایالت دارای زیرساخت‌های استوار حکومتی بود. در این هنگام هر یک از ایالات نیز درصدد کسب قدرت بودند. این ایالات حاضر نبودند به هیچ قیمتی، اقتصاد پر رونق و آزادی عقادی را که سلوکیان برایشان فراهم ساخته بود، از دست بدهند. از این رو با ورود پارتیان به ایران از سلسله نیمه ایرانی سلوکیان حمایت کردند. به هرروی، شاهان پارت، نیک دریافتند که این

موردی است که به طور یقین مشروعیت حکومت پارتی در نزد یونانیان و ایرانیان بومی را تأمین می‌کرد (ادی، ۱۳۹۲، ص ۱۱۶). مهرداد دوم افزون بر جلب نظر ایرانیان بومی، از طریق تجارت گسترده با چین تلاش می‌کرد تا امکانات لازم برای اقدامات تدافعی و تداوم حکومت خود را فراهم سازد (بروسوس، ۱۳۸۸، ص ۱۲۶). از اقدامات توسعه‌طلبانه رومیان، حمله آن‌ها به شهرهای بین‌النهرین در زمان ارد اول (۵۷-۳۷ پ. م) بود. حملات رومیان با کاردانی سردار و اشراف‌زاده پارتی سورنا دفع شد و کراسوس فرمانده رومیان در جریان نبرد کشته شد. با این پیروزی برجسته، نیروی نظامی آن‌ها به دنیا معرفی گشت. با این حال ارد اول، سورنا را به قتل رساند. سورنا اشراف‌زاده پارتی با ثروت و شکوه بسیار بود (کالج، ۱۳۸۵، ص ۳۹-۳۸)؛ اما علت کشته‌شدن او توسط ارد اول، پیروزی وی در مقابل رومیان و ایجاد امنیت در کشور و کسب محبوبیت در میان شاهان محلی و مردم ایالات بود. بعد از این پیروزی پارتیان اقدامات توسعه‌طلبانه در نواحی آسیای صغیر توسط لایبوس و در نواحی فنیقیه و یهودیه توسط پاکور پسر ارد اول انجام دادند، که در نهایت بعد از پیروزی‌های ناپایدار به شکست منتهی شد (ولسکی، ۱۳۸۴، ص ۱۵۷-۱۵۵). از این زمان به بعد با قدرت‌گیری ایالات و شاهان محلی و دخالت رومیان، پارتیان فقط امنیت کشور را تأمین می‌کردند.

بهار، مهرداد، (۱۳۸۴ الف)، از اسطوره تا تاریخ، به ویراستاری ابوالقاسم اسماعیل پور، تهران: چشمه.

جوادی، غلامرضا. (۱۳۸۰)، مدیریت در ایران باستان، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

حاجی بابایی، احمد، (۱۳۸۰)، پارتیان و تجارت ابریشم، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران. شماره ۱۵۹-۱۵۸: ۲۶۱-۲۴۵.

حیدری، علی اکبر، (۱۳۹۱)، تحلیل فضایی معماری معبد آناهیتا و کنگاور، فصلنامه مطالعات شهر ایران اسلامی، سال ۷: ۸۶-۷۳.

خسروی، زینب، (۱۳۹۳)، تحوّل اندیشه سیاسی در دوران تاریخی ایران به استناد داده‌های باستانی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد در رشته باستان‌شناسی، استاد راهنما کریم حاجی‌زاده. دانشگاه محقق اردبیلی: اردبیل.

درخشی، حسن، (۱۳۸۱)، بررسی و تطبیق معماری دوره اشکانیان، مطالعه موردی: قلعه زُهک (زهنگ)، پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد رشته باستان‌شناسی، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.

دقتی، نجد، مجید. (۱۳۹۰). بازشناسی معبد مهر مراغه. منظر. شماره ۱۴. صص ۶۰-۶۳.

سرزمین‌ها را می‌بایست بر اساس همان شیوه سلوکیان اداره کرد. از طرفی برهم زدن نظام شهر و ایالات به نفع امپراتوری تازه تأسیس پارت نبود. از همین روست که شاهی مانند مهرداد دوم برای تأمین هژمونی در نواحی مختلف به سبک مختلف سکه ضرب می‌کند. پارت‌ها با شعار استقلال دادن به شهرها و ایالات و آزادی آن‌ها از زیر سلطه سلوکیان، تا هنگام بیرون راندن آنان مشروعیت داشتند و پس از آن با تأمین امنیت شهرها و راه‌های تجاری از طریق نیروی نظامی و ساخت شهرها و حفظ مرزهای امپراتوری و نگهداری از سرزمین‌های استراتژیکی مهم از رهگذر توجه به ایدئولوژی احیای امپراتوری هخامنشی، همچنان قدرت و مشروعیت خود را حفظ کردند.

منابع:

ادی، سموئیل کند، (۱۳۹۲)، آیین شهریاری در شرق، ترجمه‌ی فریدون بدره‌ای، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی

ایمان‌پور، محمدتقی، زرین‌کوب، روزبه، حجتی نجف آبادی، شهناز، (۱۳۹۱)، نقش حکومت‌های محلی ایرانی نژاد شرق آسیای صغیر در شکل‌گیری اندیشه بازیابی امپراتوری هخامنشی نزد اشکانیان. مجله تاریخ فرهنگی، سال ۳، شماره ۱۱: ۱۲-۱.

بروسوس، ماریا، (۱۳۸۸)، ایران باستان، مترجم عیسی عبدی، چ ۱، تهران: ماهی.

- دوشن - گیمن، جی، (۱۳۸۱)، *دین ایران باستان*، مترجم و یا منجم، چ ۱، تهران: فکرروز.
- رضایی‌نیا، عباس، (۱۳۸۷)، *بازتاب هنر، سیاست و مذهب ایرانی در نقوش برجسته صخره‌ای دوران اشکانی و ساسانی، فصلنامه مطالعات ملی، سال ۹، شماره ۴: ۴۴-۲۱.*
- زیاری، کرامت‌اله، (۱۳۸۲)، *تأثیر فرهنگ و ساخت شهر (با تأکید بر فرهنگ اسلامی)*، *مجله جغرافیا و توسعه*، شماره ۲: ۱۰۸-۹۵.
- سلوود، دیوید، (۱۳۸۹)، *تاریخ ایران کمبریج جلد سوم، بخش اول: از سلوکیان تا فروپاشی دولت ساسانیان*، مترجم حسن انوشه، تهران: امیرکبیر.
- سیدصدر، سیدابوالقاسم، (۱۳۸۰)، *معماری، رنگ و انسان*، تهران: آثار اندیشه.
- عباسیان، احمد، (۱۳۸۶)، *فلسفه و آیین زرتشت نقش تقدس و اسطوره در سیاست و قدرت رهبری*، تهران: ثالث.
- کالج، مالکوم، (۱۳۸۵)، *اشکانیان (پارتیان)*، مترجم مسعود رجب‌نیا، تهران: هیرمند.
- کشلنکو، (۱۳۸۹)، *توجیه پادشاهی و استدلال بنیاد آن، در دوران آغازین فرمانروایی اشکانیان، نگاه‌های تاریخی در باب زبان و فرهنگ ایران زمین*، مترجم سیروس ایزدی، تهران: انتشارات بین‌المللی الهدی.
- گیرشمن، رومن، (۱۳۸۵)، *ایران از آغاز تا اسلام*، مترجم محمد معین، چ ۱۷، تهران: معین.
- محمدی‌فر، یعقوب، (۱۳۹۰)، *باستان‌شناسی و هنر اشکانی*، تهران: سمت.
- معطفی، اسداله، (۱۳۸۲)، *تاریخ چهار هزار ساله ارتش ایران*، نشر ایمان:
- هرمان، جورجینا، (۱۳۸۷)، *تجدید حیات هنر و تمدن در ایران باستان*، مترجم مهرداد وحدتی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- واندنبرگ، لویی و شیپمن، کلاوس، (۱۳۸۶)، *نقوش برجسته منطقه الیمایی در دوران اشکانی*، مترجمان یعقوب محمدی‌فر و آزاده محبت‌خو، تهران: سمت.
- ولسکی، یوزف، (۱۳۸۴)، *شاهنشاهی اشکانی*، مترجم مرتضی ثاقب‌فر، تهران: ققنوس.
- ویسهوفر، یوزف، (۱۳۸۵)، *ایران باستان*، مترجم مرتضی ثاقب‌فر، تهران: ققنوس.
- Keall, J., (1977). Qal'eh-I Yazdigird: The question of Its date. *Iranica Antiqua*, vol 15: PP. 1- 12.
- Sodaei. B, Khademi Nadooshan. F, Naebpo. M, Neyestani. J., (2010). History as a tool to identify stray coins: case study of Reza Abbasi. *Intl, J, Humanities*. Vol 17(2): PP 13-21.
- Bivar, A.D.H., (1983), *The Cambridge History of Iran, vol 3 (1). The Seleucid, Parthian and Sasanian Periods*, (ed) Ehsan Yarshater. Cambridge.

requirements for the degree Phd. University of New York.

Sellwood, D., (1980), *An Introduction to the coinage of Parthian*, London.

Steinlauf, Eva., (2004). *The Frescoes of the Dura – Europos Synagogue: Multicultural Traits and Jewish Identity*. Department of Jewish Studies, McGill University. Montreal Quebec.

Tada, Richard., (2008). *Apollodorus of Artemita and the Rise of the Parthian Empire*. University of Washington

Curtis. V.S., (2001). Parthian belts and plaques. *Iranica Antiqua vol 36*: PP 299- 327.

Gershevitch, IL., (1967). *The Avestan Hyman of Mithra*. Cambridge.

Hojabry- Nobari. A, Khosrowzadeh. A, Mousavi Kouhpar .S. A, Vahdati nasab. H., (2011). Trade and cultural contects between Northern and Southern Persian Gulf during Parthians and Sasnians: Astudy baced on pottery from Qeshm. *Intl. Humanities*. Vol 18(2): PP 89- 115.

Keall, Edward Johnm.,. (1970). *The significance of late Parthian Nippur*. A dissertation Submitted in partial fulfillment of the requirments for the degree Phd. University Michigon.

Kiani, G.M., (2012). The Aspects of Iranian Art in the Parthian Period. *World Applied Sciences Journal* 18(8): PP 1110- 118.

Olbrycht, M.J., (1997). *Parthian King's traita- numismatic evidence and some aspects of Arsacid Political ideology*. TOMII. krakòw.

Potts, D.t., (1999), *The Archaeology of Elam*, Cambridge university Press.

Reeves, M. Barbara., (2004). *The Feriale Duranun, Roman Military Religion, And Dura _ Eropos: A reassessment*. Fullfillment of the